

دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش

سال اول، شماره دوم

پاییز و زمستان ۹۳

صفحات ۱۲۹-۱۰۷

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران

کریم علی محمدی^۱

سمیه میرزایی^۲

چکیده

قرآن کریم، برترین و آخرین پیام خدا و ارزشمندترین گوهر گرانبهایی است که با بلیغ‌ترین آداب سخن، مفاهیم و معارف الهی را در اختیار ما قرار می‌دهد. در آیات قرآن، آن چنان ارتباط و تناسبی وجود دارد که تألیف کلام همچون ساختمان محکمی درآمده و زیبایی یک پیکره و یک تابلوی بسیار ممتاز و بی‌نظیری را به خود گرفته است که در تناسب آیات، ضروری است. باید پذیرفت که در بین یک مجموعه آیات که در موضوع واحدی وارد شده‌اند، باید نوعی ارتباط و قدر مشترکی باشد، به اعتبار این که دارای هدف واحد و قدر جامع و مشترک واحد بوده و جمعاً یک کلام محسوب می‌شوند که برای ایفای هدف واحدی نازل گشته‌اند.

رابطه بین صدر و ذیل آیات نیز از ضروریات محاوره عرفی است و گرنه کلام و سخن از سخن و کلامی که دارای هدف واحد و جامع باشد، خارج گشته؛ بلکه لازم می‌آید که حکیم مطلق در بین امور بی‌ربط و بدون مناسبت، جمع نموده باشد و این از حکیم مطلق محال است. بنابراین، تناسب بین محتوای آیات و ذیل آن، امری عقلی است؛ بلکه همان ارتباط و تناسب لفظی و معنوی

۱. استادیار دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث www.somayeh66@yahoo.com

۲ ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران

است که شأن آیات و مقام بلاغت و فصاحت آن‌ها را بالا برده و تکمیل می‌نماید و زیبایی و حسن یک آیه، در همین تناسب و ترابط لازم در فواصل آیات نهفته است.

دربرسی سوره آل عمران به برخی از این تناسب‌ها برمی‌خوریم که از جمله آن‌هاست: ارتباط ذکر اسمای الهی در آخر آیات با محتوای آن، ضمانت اجرایی حکم مطرح شده در صدر آیه، علت بیان حکم و فایده حکم که در ابتدای آیه مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: تناسب درون آیه‌ای، علت، ضمانت، فایده حکم، اسماء حسنی.

مقدمه

با توجه به این که آیات قرآن از پیوند و ترتیب برخوردارند، لذا برای نشان دادن اعجاز و بلاغت هر چه بیش‌تر کلام الهی، طرح این مبحث اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. علم مناسبت در قرآن کریم پاره‌های هر کلام را با کلام دیگر شناسایی می‌کند و به هم پیوند می‌زند و آن‌ها را به مجموعه‌ای تبدیل می‌کند که در حکم ساختمانی است، دارای اجزای همخوان. در این صورت ما را به فهمی از پیوستگی مجموع کلام نزدیک می‌کند تا بدانیم رابطه موضوعات از چه سنخی است. (ایازی، ۱۳۸۰: ۲۱)

ارتباط و تناسب آیات، علم مهمی در علوم قرآنی است که باعث می‌شود قسمتی از آیه، قسمت دیگر را تفسیر کند (يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ) (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۸)

گاهی تناسب موجود در مورد آیاتی است که یکجا و در یک زمان نازل شده‌اند؛ گاهی هم ارتباط بین آیات یک سوره و تناسب بین آیات آن مطرح است که آیات آن سوره از اول تا آخر به هم مربوط بوده و دارای تناسب عقلایی می‌باشد و گاهی هم تناسب و ترابط بین سیاق هر آیه و کلمه آخر آن و به اصطلاح بین سیاق و فواصل آیات می‌باشد. رمانی در تناسب فواصل آیات می‌گوید: «فواصل در آیات قرآنی عبارت است از حروف متشاکلی که در مقاطع و خواتیم آیات قرار می‌گیرد؛ به طوری که موجب

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۳

حسن ادراک و فهم معانی آن می‌گردد و فواصل در قرآن، عامل زیبایی و بلاغت آیات آن است؛ زیرا زیبایی‌ها و رسابودن آیات، توسط فواصل آیات، امری است که در حقیقت، تابع معانی بوده و به آن، یک نوع حکمت و حسن و زیبایی خاصی می‌دهد (معرفت، ۴۲، ۱۳۷۳).

بیان مسأله

قرآن کریم از نظر بعد زیبایی شناختی در میان همه کتاب‌ها بی‌نظیر است؛ نحوه چینش حروف، تک واژه‌ها، عبارت‌ها و آیه‌ها با وزن و آهنگشان، بیش‌ترین نقش را در آفرینش این پدیده‌ی بدیل هنری ایفا کرده است. لازم به یادآوری است که مناسبت‌ها و ربط‌هایی که میان محتوا و پایان آیه‌ها وجود دارد، همیشه چنان نیست که در نگاه اول یافتنی باشد؛ بلکه دریافت آن به ژرف‌اندیشی و باریک‌نگری نیاز دارد.

یکی از برجسته‌ترین و بحث‌انگیزترین بخش در هر آیه، پایان آن است که فاصله نام دارد و مباحث پر دامنه‌ای را در خود جای داده است. از جاهایی که رعایت تناسب در آن مورد تأکید است، مقطع‌های سخن است که به ناچار باید تناسب کاملی با معنی داشته باشد و گرنه کلام از هم گسیخته خواهد شد و در تمامی فواصل قرآن عظیم این نکته وجود دارد؛ لکن برخی آشکار است و برخی نیاز به تأمل دارد.

اهمیت و ضرورت مسأله

شاید مهم‌ترین فایده علم مناسبات، کمک به فهم قرآن و تفسیر باشد؛ چرا که تا مفسر نتواند ارتباط میان کلمات و جملات در آیات را با یکدیگر تشخیص دهد، فهم او در کلام الهی ناقص خواهد بود. صبحی صالح نیز معتقد است: علم مناسبت و کشف ارتباط در آیات، در بسیاری موارد مفسر را از پرداختن به سبب نزول هم بی‌نیاز خواهد کرد. (صبحی صالح، ۱۵۷، ۱۳۷۲)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۴

یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت شناخت مناسبات آیات، اثبات بعد دیگری از اعجاز قرآن و نشان دادن الهی بودن این کتاب است؛ چرا که با وجود چنین پیوستگی و نظم هماهنگ میان آیات، ثابت می‌شود که این کتاب نمی‌تواند کار بشر باشد. همچنین پاسخ به شبهات مخالفین قرآن، که معتقد به عدم ارتباط آیات و وحدت موضوع هستند از مهم‌ترین اهداف علم مناسبت در قرآن است.

بررسی اهمیت و فوائد تناسب درونی آیات، رابطه ذیل هر آیه با محتوای آن و رابطه اسماء الهی با محتوای هر آیه هدف این نوشتار است.

مادرمقام پاسخ به این سؤال هستیم که تناسب درونی آیات چه فوایدی دارد و ارتباط محتوای آیه با قسمت پایانی آن و ملاک انتخاب اسماء الهی در پایان آیات چیست؟ فرضیه ما این است که مسأله مناسبت با بحث تفسیر ارتباط دارد و با آن می‌توان به شبهات در خصوص عدم تناسب درونی برخی آیات قرآن پاسخ داد. در ذیل هر آیه ممکن است یکی از اسماء الهی، یا فائده حکم و یا ضمانت اجرایی حکم که با محتوای درونی آیه مرتبطند، آمده باشد که در نظر گرفتن آن ما را در یافتن پیام اصلی آیه کمک می‌کند. اسماء الهی با توجه به محتوای درونی هر آیه انتخاب می‌شود.

برای رسیدن به اهداف فوق و پاسخگویی به سوالات مطرح شده، به کتب مرتبط با تناسب آیات قرآن و کتب تفسیری و همچنین کتب لغت و علوم قرآنی و مقالات و مجلات و نرم افزارهای مربوطه مراجعه می‌گردد و گاهی نیز می‌توان با تفکر و تعقل، به برخی از ارتباطات، دست یافت.

تاکنون در مورد این موضوع تحقیقی صورت نگرفته است؛ هرچند در مورد تناسب آیات و سوره مقالات و کتبی نوشته شده است.

معنای لغوی و اصطلاحی ارتباط

«ارتباط»، از ریشه رَبَطَ به معنی رابطه و پیوستگی (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ماده رَبَط؛ بستنی و مهیار، ۱۳۷۵ش، ماده رَبَط) و اعتلاق است که علاقه و پیوستگی را می‌رساند.

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۵

(حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ماده رِبَط). و در این ماده، اصل واحدی است و آن، توثیق و شدت تعلق به چیزی یا موضوعی است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ماده رِبَط). معنای اصطلاحی ارتباط در این تحقیق، تناسب میان صدر و ذیل آیات است.

تناسب، یعنی پیوند میان دو چیز و مناسبت نیز به معنای همانندی، قرابت و نزدیکی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ماده نسب). تناسب در علوم قرآنی، به معنای هم‌شکلی و هم‌بستگی میان آیات و پیوند معنایی در آیه‌هاست که گاه به صورت عام و خاص، گاه پیوند عقلی و حسی و خیالی، یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبب، علت و معلول و یا حتی دو مخالف و ضدی است که پیوستگی موضوعی را نشان می‌دهد. (زرکشی، ۱۹۸۸، ج ۱: ۱۳۱؛ سیوطی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۳۷۱)

در این نوشته، قصد بر این است که تناسب درونی آیات، از چهار جهت (اسمای حسنای الهی، علت حکم، ضمانت اجرایی و فایده حکم) که عمده تناسبات درونی آیات است، بررسی شود.

الف) رابطه اسماء الهی با محتوای آیات

با توجه به آنچه در مقدمات ذکر شد، با تکیه بر هدف نزول قرآن و حکمت خداوند، می‌توان این طور دلیل اقامه کرد که هدف از نزول قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت نهایی او با بهترین شیوه است و ناهماهنگی و اختلاف و عدم تناسب در آیات، با این هدف سازگار نیست و چون نقض غرض با حکمت خداوند سازگاری ندارد؛ پس خداوند قرآن را به گونه ای کاملاً هماهنگ نازل کرده است. این بیان، دست کم هماهنگی محتوای کل آیات قرآن را به کرسی می‌نشانند. (مصباح، ۱۳۷۶: ۱۵۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۳)

در ابتدای بحث، نمونه‌هایی از آیات سوره آل عمران که با اسمای حسنای الهی خاتمه یافته‌اند و این که رابطه اسمای حسنای الهی در ذیل آیات با آغازشان چگونه است و هدف و غایت آیه از آمدن این اسماء چه بوده است بررسی می‌شود.

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۶

۱- اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ اللهُ که هیچ معبود به حقی جز او نیست حی و قیوم است و وجود تمام عالم به وجود او بستگی دارد»(۲)
«حی» و «قیوم»، هر دو از اسمای حسنی هستند.
حی: یعنی باقی ای که مرگ و فنا در آن راه ندارد.

قیوم: یعنی دائم به تدبیر خلق و حفظ او می‌پردازد. (حقی البروسوی، بی تا، ج ۲: ۲)
حی‌القیوم: یعنی خدای سبحان، زنده‌ای است که سرپرستی او آگاهانه و حیات بخش است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۴۹)

صاحب‌المیزان در این باره می‌گوید: قیام خدای متعال به ایجاد و تدبیر عالم، قیامی اتم است. پس نظام موجودات از هر جهت تحت قیومیت خدا است، قیومیتی با حیات که مستلزم علم و قدرت است. پس، علم الهی نافذ در همه زوایای عالم است و هیچ چیز از عالم برای خدا پنهان نیست و قدرت او بر همه عالم مسلط است. در هیچ گوشه عالم چیزی واقع نمی‌شود مگر آنچه او وقوعش را خواسته و اذن داده باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵)

همچنین، ابتدای آیه، مسأله توحید اسماء حسنی و صفات او را بیان می‌کند و می‌فرماید: جز خدا هیچ معبودی نیست؛ خداوندی که زنده و قائم به ذات خویش است و موجودات دیگر، قائم به ذات او هستند. (مکارم شیرازی، ۲، ۱۳۷۴: ۲۶۲)

لفظ «قیوم»- که صیغه مبالغه است- حاکی از تدبیر تمام‌تر جهان می‌باشد، لفظ «حی» دلالت می‌کند که قیومیت خدا یک قیومیت طبیعی و فاقد شعور نیست؛ بلکه قیومیت زنده و دارای علم و قدرت است. علم و قدرت لازمه حیات است، خدای قیوم بر همه موجودات اشراف دارد و علم او در همه نافذ است. (قرشی، ۱۳۷۷ش: ج ۲: ۲)

(۶)

بنابراین، منظور از «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»، این است که توحید، سرلوحه کتاب آسمانی است و ارتباط آن با اسمای الهی «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» در این است که شرط معبود بودن، داشتن

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۷

کمالات ذاتی است و تنها خداوند است که قائم به ذات خویش و بی نیاز مطلق است.
(قرآنی، ۱۳۸۳: ۲: ۱۲)

۲- قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران ۳۱)

بنا بر شأن نزول آیه، گروهی بودند که دم از دوستی با پیامبر می‌زدند که این آیه نازل شد و فرمود: «بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد که خدا آمرزنده و مهربان است». تا مفهوم دوستی واقعی را تبیین کند و فرق آن را با محبت دروغین و کاذب روشن سازد. آیه می‌خواهد بفهماند، محبت، تنها یک علاقه قلبی و خالی از هرگونه اثر نیست؛ بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسی که مدعی عشق و علاقه به پروردگار است، نخستین نشانه اش باید این باشد که از پیامبر و فرستاده او پیروی کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۵۱۳)

رحمت و اسعه الهی و فیوضات نامتناهی که نزد خداست، موقوف بر صنفی از بندگان نیست و هیچ چیز نمی‌تواند او را ملزم بر امساک از افاضه نماید؛ مگر این که آن شخص، استعداد افاضه از او را نداشته باشد و یا خودش مانعی را پدید آورد و در نتیجه از فیض او محروم شود. آن مانعی که می‌تواند از فیض الهی جلوگیری کند، گناهان است که نمی‌گذارد بنده او از کرامات قرب به او برخوردار گردد. بدین جهت است که دنبال جمله «يُحِبُّكُمُ اللَّهُ» فرموده: «يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ چون کلمه «حب» محب را به سوی محبوب جذب می‌کند، پس همان طور که حب محبوب، باعث قرب او به خدا گشته و او را خالص برای خدا می‌سازد و بندگیش را منحصر در خدا می‌کند، محبت خدا به او نیز باعث نزدیکی خدا به او می‌گردد؛ در نتیجه حجاب‌های بعد و ابرهای غیبیت را از بین می‌برد و حجاب و ابری به جز گناه نیست. پس نزدیکی خدا به بنده، گناهان او را از بین می‌برد و می‌آمرزد. این وصف، رابطه «غَفُورٌ رَحِيمٌ» را با محتوای آیه بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۵۰)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۸

خداوند، هم کاسه محبت را از کالای گرانبهای محبوب بودن پر می‌کند، و هم گناهان محب را می‌آمرزد (يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ) خدا غفور و رحیم است؛ یعنی نه تنها بر اساس رحمت ابتدایی، گناهان را می‌آمرزد؛ بلکه رحمت خاص خویش را هم عطا می‌کند. از محبت که فعل خداست، مغفرت فهمیده می‌شود؛ اما از مغفرت نمی‌توان محبت را فهمید؛ زیرا آمرزش الهی بنده را به جهنم نمی‌برد، اما همه کسانی که از جهنم در امانند، محبوب حق نیستند؛ بلکه محبوب، حساب دیگری دارد. اگر کسی محبوب حق شد، آثار فعل خدا به دست او ظاهر خواهد شد. پس، پیروی کامل، تبعیت همراه با محبت است که به صورت اطاعت مطلق ظهور می‌کند. بدون اطاعت کامل از پیامبر(ص) در همه جنبه‌ها، کسی محب و محبوب خدا نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۴: ۸۳)

خداوند در عبارت «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» به پیامبر(ص) چنین می‌گوید: بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از شریعت و سنت من تبعیت کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد. حب مؤمنان نسبت به خدا؛ یعنی پیروی از اوامر او و قصد طاعت و جلب رضای خداوند است و حب خداوند نسبت به مؤمنان، همان عفو آن‌ها و عطای ثواب به آن‌ها می‌باشد که قرآن در این باب فرموده: «وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۵۱)

در کتاب خصال، از سعید بن یسار آمده است که ابی عبدالله(ع) در تفسیر آیه مورد بحث فرموده: آیا دین جز محبت و دوست داشتن خداوند است. (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۲۷)

محمد بن یعقوب از امیرالمومنین(ع) آورده است: «خداوند سبحان در این آیه تصریح کرده، تبعیت از پیامبر اکرم(ص)، محبت خدا و رضای او را به دنبال دارد که علت آمرزش گناهان و کمال و رستگاری و وجوب بهشت می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۶؛ البحرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۲۰) و اشاره به غفور و رحیم بودن خداوند، ارتباط ذیل با ابتدای آیه را روشن می‌کند که تبعیت از پیامبر(ص) موجب محبت الهی و مغفرت می‌شود؛ چرا که او، غفور و رحیم است.

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۹

۳- وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِتَطْمَئِنُّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ و خداوند این کار را جز برای شادمانی و دلگرمی شما نکرد و نیست یاری‌ای مگر از سوی خدای پیروزمند و دانا. (۱۲۶)

ملائکه مدد رسان در مسأله مدد رساندن و یاری کردن، هیچ اختیاری ندارند؛ بلکه آن‌ها، اسباب ظاهری‌اند که بشارت و آرامش قلبی را برای شما می‌آفرینند، یاری آن‌ها شما را از خدا بی‌نیاز نمی‌کند؛ چرا که هیچ موجودی نیست که کسی را از خدا بی‌نیاز کند؛ خدای عزیزی که هرگز و تا ابد مغلوب کسی نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۱۲)

خداوند در این آیه، وعده مدد را به مؤمنان بشارت می‌دهد و برای تسکین قلوب آنان، از عاجز بودن دشمنان و تعداد اندک آنان سخن می‌گوید و می‌فرماید: یاری فقط از جانب خداوند متعال است. پس، از او کمک بخواهید و به او توکل کنید؛ چرا که عزت و حکمت از برای اوست. (بغوی، ۱۴۲۰، ۱: ۵۰۳)

جمله «وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، بیان توحید کامل است. با توجه به «الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»، منشأ نصر الهی، عنصر عزت و حکمت است؛ لذا نه مغلوب می‌شود؛ چون پشتوانه عزت، نفوذ ناپذیری است و در نتیجه اقتدار را به همراه دارد و نه خطاپذیر است، به طوری که در غیر مورد خودش واقع شده باشد؛ زیرا پشتیبان آن حکمت است، از این جهت می‌توان دلیل انحصار نصر نزد خدا را تبیین کرد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۵۰۶: ۱۵)

اسمای حسنی «الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» در ذیل آیه، بدین منظور آمده که، عزیز است؛ به خاطر این که هر که از خدا یاری بخواهد، او را یاری می‌کند و حکیم است؛ یعنی می‌داند چه کسی استحقاق یاری خدا را دارد؛ تا این که چگونه به او عطا کند. (ابن عاشور، بی تا، ۳: ۲۱۲)

بر اساس «الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»، خداوند متعال هم قادر است که هر چه اراده کند همان شود (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (یس/۸۲) و هم دانا و حکیم است که تمام کارهای او از روی حکمت و مصلحت و به جا و به موقع است؛ بنابراین، شما باید

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۰

از تحت فرمان او بیرون نروید و در کلیه امور به او توکل نمایید؛ زیرا عزت و شکست‌ناپذیری و مصلحت تمام کارها فقط تحت اراده اوست. (طیب، ۱۳۷۸، ۳: ۳۴۴)

خداوند عزیز است؛ یعنی به دست مؤمنان از کفار انتقام می‌گیرد و در تدبیرش برای عالمیان، حکیم است. «عزیز»، به این معنی است که جنگ با مشرکان، موجب اعزاز دین می‌شود و «حکیم»؛ یعنی این که حکمتش در تدبیر مکلفان جاری است. (طوسی، ۱۴۱۴، ۲: ۸۳) صفات عزیز و حکیم، بیانگر این است که چون عزیز است، شکست‌ناپذیر است و می‌توان به کمک او امیدوار شد و چون حکیم است، مصلحت امور را می‌داند که چه موقع کمکتان کند.

ب) علت حکم

امام باقر(ع) درباره تناسب آیات قرآن می‌فرماید: چیزی دورتر از تفسیر قرآن به عقل‌های مردم نیست که آیه‌ای، اولش درباره چیزی، وسطش درباره چیز دیگر و آخرش در مورد چیز سومی است، با این که یک کلام متصل و مربوط بوده که به وجود متعدد منصرف می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹: ۳۰ و ۹۳؛ زرکشی، ۱/۱۹۸۸، ۲۰؛ عیاشی، بی تا، ۱: ۱۱)

بنابراین، از لوازم بلاغت، رابطه بین تمام اجزای قرآن می‌باشد و از آن جا که دسته زیادی از آیات هستند که در ذیلشان دلیل حکم آغازین آیه آمده استلذا در این قسمت، به نوع دوم تناسب؛ یعنی همان علت حکم پرداخته‌ایم و آیاتی را که ذیلان‌ها، علت محتوای آیه را آورده، با دلیل و سند بیان شده است تا با توجه به آن، هدف و غایت اصلی آیه برای خواننده مشخص گردد.

۱- وَ مَكْرُوءًا وَ مَكْرَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ؛ و نیرنگ کردند خدا هم نیرنگ کرد،

و خدا بهترین نیرنگ‌کنندگان است (۵۴)

مکر، یعنی با حيله کسی را از مقصدش دور کنند و برگردانند که دوگونه است: مکر پسندیده که به وسیله آن، قصد کار خوبی بشود؛ آیه «والله خیر الماکرین» در این معنی است. و مکر و حيله مذموم که کسی کار زشتی را قصد کند؛ مثل، آیه «ولایحییق

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۱

المکرالسیء الاباهله؛ ونیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد» (فاطر، ۴۳) (راغب اصفهانی، ۱۳۲۴، واژه مکر)

فخر رازی در ذیل عبارت « وَ مَكْرُؤًا وَ مَكْرَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ » می‌نویسد: خداوند آنچه را که به عنوان جزای مکر و حيله کافران، در حق ایشان انجام می‌دهد هم، مکر می‌نامد؛ زیرا جزای هر چیزی به نام همان چیز نامیده می‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲: ۷۴۹)

خدای سبحان پس از شرح ایمان حواریون، به نقشه‌های شیطانی یهود اشاره می‌کند و منظور از «مکرکنندگان»، بنی اسرائیل هستند که علیه عیسی (ع) توطئه کردند، توطئه‌ای که جمله «فَلَمَّا أَحْسَرَ عَيْسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ» (آل عمران، ۵۲) به آن اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳: ۳۲۳)

منظور آیه این است که: «آن‌ها (یهود) برای نابودی عیسی (ع) و آیینش نقشه کشیدند و خدا برای حفظ او و آیینش چاره‌جویی کرد و خداوند بهترین چاره‌جویان است». بدیهی است که نقشه‌های خدا بر نقشه‌های همه پیشی می‌گیرد؛ چرا که آن‌ها معلوماتی محدود دارند و برای پیاده کردن طرح‌های خود، قدرت ناچیزی دارند؛ در حالی که علم و قدرت خدا بی‌پایان است. و این که چرا «وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ»؟ چون سراسر نظام آفرینش، سپاه و ستاد حق‌اند و او می‌تواند آثار سوء مکر بدان‌دیشان را به خودشان بازگرداند. بر همین اساس، در تقابل مکرها، مکر خداوند (که بر محور عدل آمیخته با عفو و احسان است) هم از نظر قدرت و قوت و هم از جهت صدق و صحیح و رو بودن، برتر و کامل‌تر است و او در مقام فعل، بهترین مکرکنندگان است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۳: ۳۷۶)

ابن بابویه از امام رضا (ع) آورده که در «وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ»، منظور این است که خداوند متعال نه این که مکر و حيله می‌کند؛ بلکه مجازات مکرکنندگان را به آن‌ها می‌چشاند؛ یعنی علت مجازات پروردگار، مکر آن افراد می‌باشد. (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۲۶؛ البحرانی، ۱۴۲۸، ۲: ۴۰)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۲

درعیون اخباررضا نیز آمده که از امام رضا(ع) درباره قول خدا که فرمود: «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ» سؤال شد؛ ایشان جواب دادند: همانا خدای متعال به کسی مکر نمی‌کند؛ بلکه مکاران را مجازات می‌کند. (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۳۴۵)

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که فراز اول آیه، بیان‌گر علت فراز آخر آیه است و منظور از مکر خدا، همان عذاب الهی است و با این وصف، در آیه تعلیل وجود دارد، یعنی این که خداوند، به علت مکر یهودیان، آن‌ها را مجازات و مکرشان می‌کند.

۲- وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مَن بَعْدِ مَا أَرْسَلَكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

در جنگ احد در مرحله نخست، بر اثر صبر و پایداری و تقوای مسلمانان، وعده الهی عملی شد و مسلمانان با امدادهای غیبی پیروز شدند، اما در مرحله بعدی بر اثر از دست دادن شرایط نصرت یابی، از یاری الهی محروم شدند. عوامل شکست مسلمانان - که آیه بدان اشاره کرده - این‌ها هستند؛ ۱- فشل و سستی اراده ۲- نزاع بر سر ایستادگی یا عدم آن ۳- نافرمانی با واسطه یا بی واسطه از رسول خدا ۴- دنیاخواهی برخی از مسلمانان (به خاطر بدست آوردن غنائم جنگی زودتر از موعد مقرر، سنگرهایشان را ترک کردند و دشمن از همان نقاط یورش برد). (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۶: ۵۰)

«ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ»؛ یعنی، سپس شما را از نبرد با مشرکان باز داشت و این بعد از پیدا شدن فشل و تنازع و نافرمانی بود. غرض از این بازداری، امتحان شما بود؛ این که ایمان و صبرتان را در راه خدا بسنجد، چرا که قوی‌ترین عامل برای امتحان‌های عمومی، همانا اختلاف دل‌هاست؛ این جاست که بلائی عمومی بیاید تا مؤمن راسخ‌الایمان از مؤمن متلون و رنگارنگ سست‌ایمان متمایز گردد. با همه این حرف‌ها، خدای متعال به فضل و کرم خویش از خطای آنان صرف‌نظر کرد و همه را بخشید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴: ۶۷)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۳

جمله «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ» نشان می‌دهد که فراریان، مؤمنانی سست ایمان بودند. به هر حال، فضل الهی؛ نه استحقاق مردم، شامل رزمندگان احد شد که از این فضل با تنوین تفخیم «ذُو فَضْلٍ» به عظمت یاد شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۶: ۶۰). ایمان، بستر و زمینه دریافت فضل خاص خداوند است (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۲: ۱۷۶). جمله قرآنی فوق به منزله علتی برای عفو است؛ یعنی چون خداوند صاحب فضل است، از گناه شما (مومنانی که در نبرد احد مرتکب گناه شدند) صرف نظر کرد. و یا احتمال دارد به منزله علتی برای «لِيُنَبِّئَكُمُ» باشد؛ یعنی به وجود آورنده صحنه‌های آزمایش برای مشخص شدن صفوف، از جمله تفضلات الهی است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳: ۱۱۹)

به نظر آلوسی نیز، عبارت «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ»، علت حکم عفو از جانب خداست. این که عفو خداوند (ولو این که بعد از توبه باشد) نشانه تفضل اوست، نه وجوب؛ یعنی آنچه که شایسته شأن خداوند است، این است که با عفویشان، به آن‌ها تفضل کند و اگر امتحان هم می‌کند؛ به دلیل رحمت خداوندی است. (آلوسی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۱۰۸)

نتیجه این که چون خدا صاحب فضل است، از گناه مومنانی که در نبرد احد مرتکب گناه شدند، صرف نظر کرد و این، به جهت ایمانشان است.

۳- الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَي جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ آن‌هایی که در هر حالت (ایستاده و نشسته و خفتن) خدا را یاد کنند و دائم فکر در خلقت آسمان و زمین کرده و گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای، پاک و منزهی، ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار. (آل عمران/۱۹۱)

عبارت «سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، دلیل بر ثواب و عقاب است که اولوالألباب گفتند: پروردگارا، تو از این که چیزی را بیهوده بیافرینی، منزهی، پس این که بهشت و جهنم را آفریده‌ای، بیهوده نیست. بنابراین، از آتش جهنم به خدا پناه برده و می‌گویند:

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۴

ما را از عذاب آتش دور کن. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۴۱). در عبارت فوق، تسبیح گفتن، علت رهایی از دوزخ معرفی شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲: ۹۸۶).

در امالی شیخ الطایفه، به استناد از امام باقر(ع) آمده که در ذیل آیه مورد بحث، فرمودند: مؤمنی که به صورت ایستاده یا نشسته و یا در بستر به ذکر خدا مبادرت ورزد، زوال و نابودی ندارد. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۷۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۲۳)

نتیجه اینکه تسبیح خدا می تواند علتی برای رهایی از آتش باشد.

ج) ضمانت اجرایی

از فخر رازی نقل شده که وی بر این باور است که بسیاری از لطایف قرآنی در تناسب میان آیات به ودیعت نهاده شده‌اند و در پرتو علم مناسبات آشکار خواهد شد. (زرکشی، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۱۳۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۲) بنابراین، لازم است در این بخش، سومین نوع تناسب؛ یعنی ضمانت اجرایی حکم را بررسی کنیم؛ یعنی آیاتی را که در خاتمه آن‌ها و یا گاهی در میان آیات، خداوند خودش ضمانت کرده تا آنچه را که در صدر آیه به عنوان وعده و وعید و... نازل کرده تا اجرا کند، مطرح کنیم که تناسب این دسته از آیات، ضمن تفسیر و آوردن مستندات از کتب تفسیری و روایی مختلف مشخص شده است.

۱- إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بَغِيْرِحَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱)

در این آیه، نخست به سه گناه بزرگ آن‌ها اشاره شده است؛ (کفر ورزیدن با یاد پروردگار، کشتن پیامبران به ناحق و کشتن کسانی که از برنامه‌های پیامبران دفاع می نمودند و مردم را به عدالت دعوت می کردند.) و هر یک از این گناهان به تنهایی کافی بود که ثابت کند آن‌ها تسلیم فرمان حق نیستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲: ۴۷۹)

دو جمله «يَكْفُرُونَ» و «يَقْتُلُونَ»، هم استمرار را می رساند و دلالت دارد بر این که کفر به آیات خدا، آن هم کفر بعد از بیان و به انگیزه بغی، هم چنین کشتن انبیاء بدون

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۵

حق و کشتن کسانی که به سوی عدل و قسط دعوت نموده و از ظلم نهی می‌کنند، عادت همیشگی ایشان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳: ۱۹۳)

قید «بَغَيْرِ حَقِّ» در آیه، جنبه تأکیدی دارد؛ زیرا کشتن انبیاء که حق و ناحق ندارد و انبیاء در حالی که مصون الدم بودند، کشته شدند. با این که قتل آمران به قسط نیز ناحق است، ولی قید «بَغَيْرِ حَقِّ» فقط برای کشتن پیامبران آمده، شاید بدان جهت که پیامبران با انسان‌های عادی یکسان نیستند، پس کشتن آنان نیز با قتل دیگر انسان‌ها همسان نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۳: ۴۹۶)

بشارت، خبری است که اثر آن در «بشره (پوست)» آدمی ظاهر می‌شود، خواه نشان نشاط و خواه نشان الم و غم؛ ولی چون در فرهنگ محاوره، کلمه «بشارت» ویژه خبر نشاط آور است، این واژه در قرآن هنگام استعمال در خیر مطلق است؛ ولی در مورد عذاب، با قید عذاب و مانند آن به کار می‌رود «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». (همو، ۵۰۰/۱۳)

جمله «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» تصریح به شمول غضب الهی و تهدید به نزول عذاب است و منظور از آن، تنها عذاب آخرت نیست، به دلیل آیه بعدش که هم به عذاب دنیا تهدید شده و هم آخرت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹۳/۳). ابو علی طبرسی از رسول خدا (ص) آورده که فرموده: شدیدترین عذاب کافران در روز قیامت، این است که پیامبری یا فردی را که امر به معروف و نهی از منکر می‌کرده را به قتل رسانده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۹۹؛ البحرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۱۷)

بنابراین، خداوند در این آیه، ضمانت می‌کند که کسانی را که به آیات الهی کفر می‌ورزند و انبیای الهی و آمران به قسط را به قتل می‌رسانند، عذاب دردناکی خواهد چشانند.

۲- وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

در آیه مورد بحث، خدای سبحان با نهی از تفرق و اختلاف، همراه با طرح داستان متفرقان و مختلفان گذشته و تلخکامی آنان، ضمن آموزش حرمت این خلق ناپسند و عمل ناروا، به خطرزایی آن هشدار می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۵: ۲۹۸)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۶

اختلاف و تفرقه نه تنها قدرت را در دنیا می‌شکند، بلکه در قیامت نیز گرفتار عذاب جهنم می‌سازد (وَ أَوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (قرائتی، ۲، ۱۳۸۳: ۱۲۶). در این جا، خداوند ضمانت کرده و وعید داده و تهدیدشان کرده که اگر بعد از آمدن برهان، دوباره با هم اختلاف داشته باشند، به آنها غضب می‌کند و عذاب بزرگی در انتظارشان است. (آلوسی، ۱۴۲۳ق، ۲۸/۳)

عبارت « وَ أَوْلَئِكَ ... »، ضمانت می‌کند که آنان به سبب تفرقه و اختلافشان - بعد از آمدن دلایل روشن الهی - و این که از آمران به معروف و ناهیان از منکر نبودند، حتماً عذاب سخت و بزرگی خواهند دید. (حقی البروسوی، بی تا، ج ۲: ۷۵)

۳- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۱۸۵)

آیه مورد بحث، توجه به مرگ - که اساسی‌ترین عامل تربیت و تهذیب نفس است را، ذکر می‌کند و با این بیان به اهل فریب و نیرنگ - که از دسیسه بر ضد مؤمنان دست برنمی‌دارند) هشدار می‌دهد و آنان را که زمینه تربیت و اصلاح دارند، موعظه می‌کند و به مؤمنان هم تسلی می‌دهد که اگر چیزی را از شما گرفتند، متاع غرور است؛ دشمنان شما نیز مرگ را می‌چشند و بعد از مرگ، حساب و پاداش و کیفر، حتمی است و سرانجام، کسی که از خطر بعد از مرگ نجات یافته، رستگار شده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۵۱۰/۱۶)

خداوند متعال در این آیه، خبر می‌دهد که تمام مخلوقات، طعم مرگ را می‌چشند. جنّ و انس، همگی می‌میرند و این خداوند واحد است که حی است و زنده؛ تا زمانی که هیچ کس روی زمین نمی‌ماند و همه می‌میرند، روز قیامت بر پا می‌شود و همه خلاق، به خاطر اعمال بزرگ و حقیر، زیاد و کم مجازات می‌شوند و به کسی ظلمی نمی‌شود. عبارت « وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ » برای تصغیر شأن دنیا و تحقیر آن آمده و منظور از آن، این است که متاع دنیا فانی است و به زودی زائل می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲: ۱۵۸). بر اساس « وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ »، این متاع دنیوی، متاع

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۷

حقیقی نیست؛ بلکه متاعی است که انسان را فریب می‌دهد تا چنین گمان کند که متاع خوبی است. (سید بن قطب، ۱: ۵۳۹)

این آیه، کلاً، ضمانت می‌کند که همه می‌میرند و پس از مرگ، هر کسی مطابق اعمال خودش، به بهشت و جهنم می‌رود؛ و اگر در دنیا دشمنان چیزی از مؤمنان ستانده‌اند، جز متاعی نیست و مؤمنان، بهترینش را در آخرت خواهند دید.

د) فایده حکم

نوع آخر - که تناسب که قابل بررسی در آیات سوره آل عمران است، - همان فایده حکم می‌باشد که در آخر این مقاله بدان اشاره می‌شود. در این بخش، ضمن آوردن آیاتی که خداوند در ذیل آن‌ها، فایده حکم را آورده، به بررسی رابطه صدر و ذیل آیات به کمک روایت پرداخته شده است.

۱- لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۹۲)

در آیات پیش، سخن از پذیرفته نشدن انفاق کافران بوده که فرمود: «کسانی که در حال کفر از دنیا رفتند، اگر کران تا کران زمین را از طلا آکنده سازند و برای نجات خود از عذاب، انفاق کنند، از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود» و از پی آن در این آیه، درباره انفاق مردم با ایمان در دنیا می‌فرماید: «شما به اوج خوبی و نیکی نمی‌رسید مگر آن که از آن‌چه دوست دارید، انفاق کنید» و بدین وسیله روشن می‌شود که موضوع کفرگرایان مربوط به آخرت است و دلیل پذیرفته‌نشدن این عمل آنان، به سبب کفر و کردار زشتشان است تا مردم از بخشش کردن سست نشوند و با انفاق خوب به نیک‌بختی دنیا و آخرت پرکشند. (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۴: ۳۹۲)

در «وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»، مهم انفاق است، حتی اگر اندک باشد؛ چرا که خدا بدان آگاه است (فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ). حال که خدا انفاق ما را می‌بیند، چرا در کمّ و کیف آن کوتاهی کنیم؟ باید بهترین‌ها را انفاق کنیم (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۲: ۱۱۲). خدای سبحان، در این عبارت، به کسانی که از مال دوست داشتنی خود انفاق می‌کنند، آسودگی خاطر می‌دهد؛ زیرا هر انفاقی یا نذری چه واجب و چه مستحب، هرگز از

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۸

دیده خدا پنهان نیست، خدایی که پاداش نیز تنها به دست اوست و با علم به آگاهی خداوند که همه امور به اراده اوست، طمأنینه حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش: ج ۱۵: ۸۰). عبارت «فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ یعنی، خداوند انفاق کنندگان را بر حسب انفاقشان جزا و پاداش می‌دهد؛ چرا که خدای تعالی به هر آنچه انفاق کرده‌اند، آگاه است و حتی نیت پاک یا پلیدشان را می‌داند. گفته شده این آیه، صدقه دادن پنهانی را تأکید می‌کند. (آلوسی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۷۲)

طبق نظر علامه طباطبایی، جمله «وَمَا تُنْفِقُوا...»، تشویق انفاق‌گران است تا وقتی انفاق می‌کنند، خوش حال باشند به این که مال عزیز و محبوبشان هدر نرفته؛ بلکه خداوند به انفاقشان و آنچه انفاق می‌کنند، آگاه است و این است فایده حکم آیه. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵۳۴)

از آیات مذکور روشن می‌شود که ۱- کفر به خدا و قیامت، مانع پذیرش انفاق است. ۲- انفاق، درمان مال دوستی است. ۳- خداوند عالم به انفاق محسنین و بخل بخیلان می‌باشد و پاداش و کیفر را خداوند متعال می‌دهد.

۲- وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

خدای سبحان پس از دعوت اهل ایمان به اعتصام حبل‌ال‌لهی و نهی از تفرقه و پایه‌ریزی اجتماعی متحد بر اساس اعتقاد و ایمان در آیه قبلی، در آیه مورد بحث، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را (که موجب مشارکت آحاد اهل ایمان برای پاسداری از ارزش‌های جامعه دینی و لازمه زندگی سعادت‌مندان اجتماعی است)، مطرح می‌فرماید. بنابراین، انسان باید پس از کسب وارستگی، دیگران را به خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۵: ۲۵۵)

بازخواست و عقاب در تخلف این وظیفه، متوجه تک‌تک اعضای جامعه است، ولی پاداش و اجرش از آن کسی است که وظیفه را انجام داده باشد و به همین جهت است که فرموده: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵۷۸)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۱۹

محمد بن یعقوب، در روایتی از ابی عبد الله (ع) آورده که از ایشان پرسیدند که آیا امر به معروف و نهی از منکر برای همه امت واجب است؟ فرمودند: نه، فقط برای کسی که مطیع قوی و عالم به معروف و منکر باشد؛ نه بر ضعیفی که نه به راه راست هدایت شده، نه حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهد؛ به خاطر همین خداوند فرموده: ایشان همان رستگارانند (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۵۷؛ البحرانی، ۱۴۲۸، ۲: ۸۹). پس فایده حکم آیه، تشویق اهل ایمان به سوی کارهای خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد؛ چرا که عاقبت کار ایشان را - که فلاح و رستگاری است - در آیه نشان می‌دهد.

۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگ‌ها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. (۲۰۰)

آیه مورد بحث، با مجموع آیات این سوره ارتباط و پیوند مفهومی دارد و در واقع، راه دستیابی به همه معارف سوره است؛ چون در این سوره، اصول معارف دینی و بسیاری از مسائل فروع دین مطرح شده است که لازمه فراگیری آن‌ها، داشتن ملکه صبر و استقامت است. از این رو، خداوند در آیه پایانی سوره، به صبر، مصابره، مرابطه و تقوا فرمان داده است. بنابراین، آیه مورد بحث، به منزله ارثه راه حل برای نیل به مطالب این سوره است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۷۷۱)

مراد از «رابطه»، این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد و اگر مرابطه نباشد، گویی که صبر من و تو، علم من و تو و هر فضیلت دیگر افراد، به تنهایی، سعادت آور است؛ ولی فقط برخی از سعادت را تأمین می‌کند و این، سعادت حقیقی نیست؛ به همین جهت، دنبال سه جمله «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» اضافه کرد؛ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» که منظور از این فلاح (تقوا)، فلاح تام حقیقی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴/۴)

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۲۰

قرآن، در عبارت «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» می‌فرماید: در مخالفت از خدا و ریا، صبر پیشه کنید و در امر خدا اعتراض نکنید، و در رابطه‌تان با خدا جفا نکنید، تا این که به رستگاری برسید که فلاح حقیقی همین است (ابن عربی، ۱۴۲۰، ۱: ۱۳۶).

در کتاب «معانی الأخبار»، به استناد ابن ابی حمزه از ابی بصیر آمده که از ابا عبدالله (ع) درباره تفسیر این آیه سؤال کردند و ایشان فرمودند: منظور این است که صبر بر مصیبت، صبوری بر تقوا و برقراری رابطه با کسی که به او اقتداء کردی، موجب رستگاری تو می‌گردد. (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۶۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۲۸)

در آخرین آیه این سوره، سخن از عوامل فلاح است تا مؤمنان بدانند فایده صبوری و شکیبایی در راه خدا، رسیدن به سرافرازی و رستگاری است که سعادت هر انسانی در گرو آن است.

نتیجه

آیات قرآنی نه تنها با یکدیگر رابطه دارند، بلکه یک آیه در صدر و ذیل خودش، دارای رابطه و تناسب می‌باشد و این از مجد و عظمت کتاب الهی می‌باشد که با چنان نظم و قانونی و مراعات آداب و مناسبات، این چنین معقول و دل‌نشین بر ما نازل شده است. آیات سوره آل عمران هم، از چنین آرایه‌ای بی‌بهره نمانده است و در آیاتش انواع تناسب دیده می‌شود؛ با این وصف، دسته‌ای از آیات، برآند تا نقش اسمای حسنا الهی را در خاتمه آیه نمایان سازند، دسته‌ای هم در جستجوی دلیل آوردن در خاتمه آیه می‌باشند، دسته‌ای دیگر در آخرشان حکم اجرای احکام الهی را ضمانت کرده‌اند و دسته‌ای هم فایده فراز آخر آیات را با توجه به فراز اول آن بیان نموده‌اند. در آخر، نتیجه می‌گیریم که هیچ یک از آیات قرآنی خالی از تناسب نیستند؛ چرا که لازمه در کنار هم قرار گرفتن کلمات، وجود رابطه بین آنهاست. بنابراین، سوره آل عمران هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و رعایت تناسب بین محتوای آیات و ذیل، حکایت از علم بی‌انتهای خدای متعال و معجزه بودن قرآن است.

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۲۱

کتابنامه

- قرآن کریم؛ ترجمه تفسیر المیزان.
- نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی.
- آلوسی بغدادی، محمود: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ بیروت؛ مؤسسه دارالفکر بیروت، چاپ اول، (۱۴۲۳ق).
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو: تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه، چاپ اول، (۱۴۱۹ق).
- ابن عاشور، محمد بن طاهر: التحریر والتنویر، بیروت؛ مؤسسه التاریخ، چاپ اول، بی تا.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد: تفسیر ابن عربی؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ چاپ اول، (۱۴۲۲ق).
- ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان الغیب؛ بیروت؛ دار صادر، چاپ سوم، (۱۴۱۴ق).
- ایازی، محمدعلی: چهره پیوسته قرآن؛ تهران؛ هستی نما، (۱۳۸۰ش).
- بحرانی، سیدهاشم: البرهان فی تفسیر القرآن؛ قم؛ مؤسسه دارالمجتبی - المطبوعات ایران، (۱۴۲۸ق).
- بستانی، فراد افرم، رضا مهباز: فرهنگ ابجدی؛ تهران؛ انتشارات اسلامی، چاپ دوم، (۱۳۷۵ش).
- بغوی، حسین بن مسعود: معالم التنزیل؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، (۱۴۲۰ق).
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم: الكشف والبیان عن تفسیر القرآن؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، (۱۴۲۲ق).
- جوادی آملی، عبدالله: قرآن در قرآن؛ قم؛ مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).
- جوادی آملی، عبدالله: تفسیر تسنیم؛ قم؛ مرکز نشر اسراء، (۱۳۷۹ش).
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی: تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت؛ دارالفکر، چاپ اول، (۱۴۱۴ق).
- حقی بروسوی، اسماعیل: تفسیر روح البیان؛ بیروت؛ دارالفکر بیروت، بی تا.
- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی: روض الجنان والروح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد؛ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۴۰۸ق).

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۲۲

- راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، مصر؛ مطبعه المیمیه، (۱۳۲۴ق).
- زركشى، بدرالدين: البرهان فى علوم القرآن؛ بيروت؛ دارالفكر بيروت، (۱۹۸۸م).
- زمخشرى، محمود: الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل؛ بيروت؛ دار الكتب العربى، چاپ سوم، (۱۴۰۷ق).
- سيد بن قطب، ابن ابراهيم شاذلى: فى ظلال القرآن؛ بيروت – قاهره؛ دارالشروق، چاپ هفدهم، (۱۴۱۲ق).
- سيوطى، جلال الدين: الإتيان فى علوم القرآن، بيروت؛ دارالمعرفه، چاپ چهارم، (۱۳۹۸ق).
- صبحى، صالح: مباحث فى علوم القرآن؛ قم؛ منشورات الرضى، چاپ پنجم، (۱۳۷۲ش).
- صدوق، محمد بن على ابن بابويه: خصال، ترجمه مدرس گیلانی؛ تهران، سازمان چاپ و انتشارات جاويدان، چاپ اول، (۱۳۶۲ش).
- صدوق، محمد بن على ابن بابويه: عيون اخبار الرضا؛ تهران؛ نشر جهان، چاپ اول، (۱۳۷۸ق).
- صدوق، محمد بن على ابن بابويه: معانى الإخبار؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسان حوزه علميه قم، چاپ اول، (۱۴۰۳ق).
- طباطبایى، سيد محمد حسين: الميزان فى تفسير القرآن؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، (۱۴۱۷ق).
- طباطبایى، سيد محمد حسين: الميزان فى تفسير القرآن؛ ترجمه سيد محمد باقر موسوى همدانى؛ دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، (۱۳۷۴ش).
- طبرسى، فضل بن حسن: مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ تهران؛ انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، (۱۳۷۲ش).
- طبرسى، فضل بن حسن: مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ ترجمه مترجمان؛ تهران؛ انتشارات فراهانى، چاپ اول، (۱۳۶۰ش).
- طبرى، ابو جعفر: جامع البيان فى تفسير القرآن؛ بيروت؛ دارالمعرفه، چاپ اول، (۱۴۱۲ق).
- طوسى، محمد بن حسن: امالى؛ قم؛ دارالثقافه، چاپ اول، (۱۴۱۴ق).
- طیب، سيد عبدالحسين: اطيب البيان فى تفسير القرآن؛ تهران؛ انتشارات اسلام، چاپ دوم، (۱۳۷۸ش).

ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران ۲۳

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه: تفسیر نورالثقلین؛ قم؛ انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، (۱۴۱۵ق).
- عیاشی، محمد بن مسعود: تفسیر العیاشی؛ تهران؛ المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر: مفاتیح الغیب؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی بیروت، چاپ سوم، (۱۴۲۰ق).
- قرائتی، محسن: تفسیر نور؛ تهران؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، (۱۳۸۳ش).
- قرشی، سید علی اکبر: تفسیر احسن الحدیث؛ تهران؛ بنیاد بعثت، چاپ سوم، (۱۳۷۷ش).
- کلینی، محمد بن یعقوب: الکافی؛ تهران؛ دارالکتب الإسلامی، چاپ چهارم، (۱۴۰۷ق).
- مجلسی، محمد باقر بن محمد محمد تقی: بحار الأنور؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، (۱۴۰۳ق).
- مصباح، محمد تقی: قرآن شناسی؛ قم؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (۱۳۷۶ش).
- مصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۶۰ش).
- معرفت، محمدهادی: تناسب آیات؛ ترجمه مولایی نیا همدانی؛ قم؛ بنیاد معارف اسلامی، (۱۳۷۳ش).
- مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه؛ تهران؛ دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر: تفسیر راهنما؛ قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، (۱۳۷۷ش).

